

# علم أصول الفقه

۱۵-۱۱-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۵۰

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

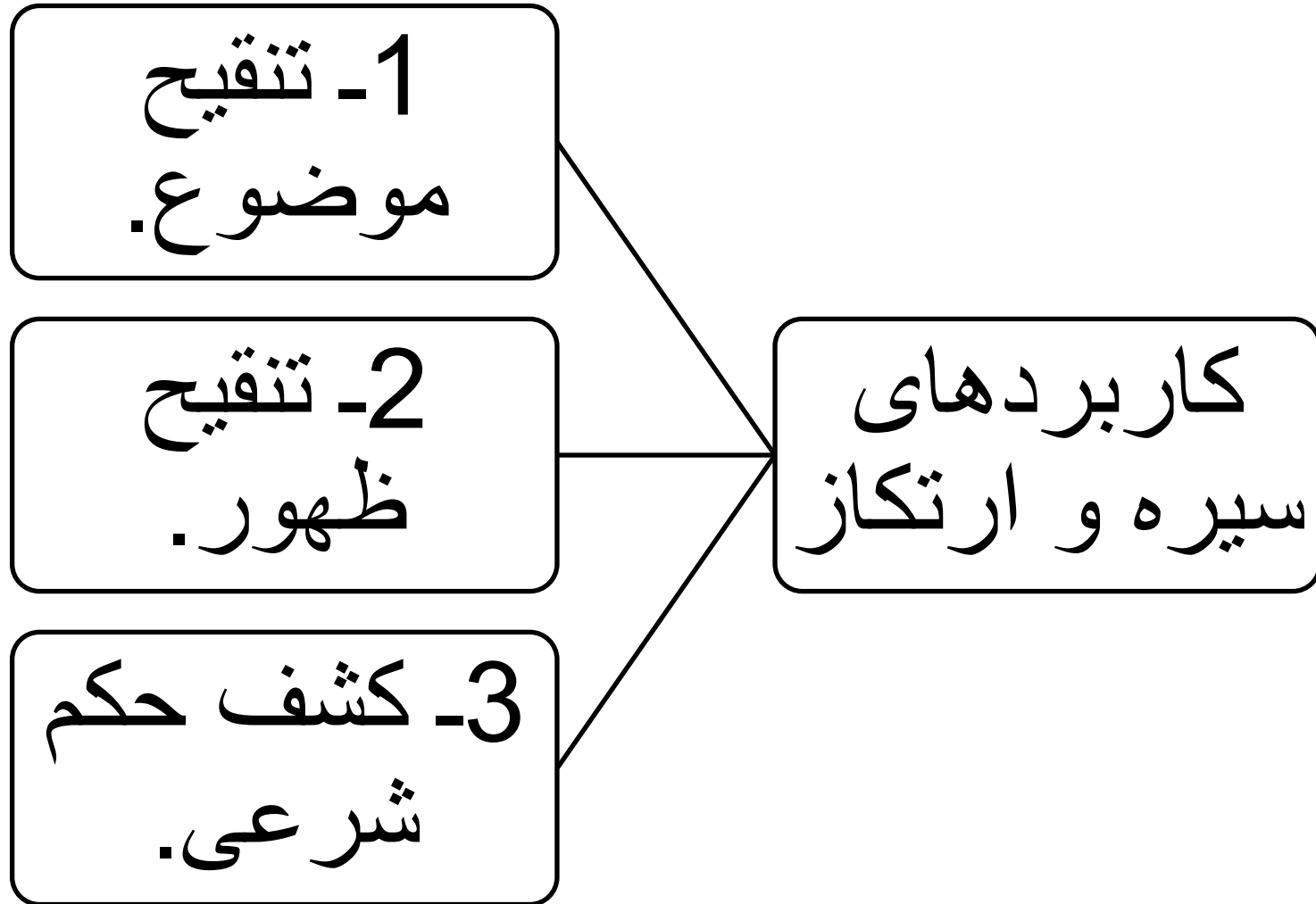
## كفايت خدا

- أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (٣٦)
- وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (٣٧)
-

## توكل بر خدا

- وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (٢)
- وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ
- اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (٣)
- 
-

# کاربردهای سیره و ارتکاز



# ۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

شرعی

عرفی

موضوعات  
احکام شرعی

# کاربردهای سیره و ارتکاز

ثبوتنا

اثباتنا

1- تَفْصِيح  
مَوْضُوع

## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- البته اینکه در نظر عرف فلان چیز **قرارداد** هست یا نه، از قبیل مراجعه به عرف برای **تنقیح موضوع** است و ربطی به بحث **تنقیح ظهور** ندارد.

## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- در بعضی زمینه‌ها تأثیر ارتکاز بسیار کم و تقریباً ناپیدا است؛ مثل حوزه عبادات که امور تأسیسی هستند. هر دین و آئینی عبادات خاص خودش را می‌آورد و عبادت امری است که از دین نشأت می‌گیرد. در این قسمت ارتکازات عقلایی کمتر اثر دارد.



## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- اما به هر حال در همین فضای عبادی هم ارتکازاتی در بین متشرعه در زمان نصوص پیدا می‌شود که باعث می‌شود ظهوراتِ نزد آنها با ظهوراتِ نزد ما متفاوت باشد؛ نظیر آنکه آیه «إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَانصتوا» به ظاهر ابتدایی خودش دلالت می‌کند که در هنگام قرائت قرآن انصات (سکوت) واجب است؛ چون به انصات امر شده است و ما در مباحث «اوامر» خواهیم گفت که صیغه امر ظاهر در وجوب است.

## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- بنابراین اگر مثلاً از بلندگوی حرم قرآن پخش می‌شود و ما که اینجا درس می‌دهیم، آن را می‌شنویم، طبق این آیه باید سکوت کنیم و به قرآن گوش دهیم؛ در حالی که کمتر فقیهی، شیعه یا سنی، در طول تاریخ فقه، چنین فتوا داده‌است. و منش متشرعه هم این نبوده‌است که اگر قرآن خوانده می‌شد، همه سکوت کنند و گوش دهند.

## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می گوید: شاید منشأ این رفتار متشرعه وجود یک ارتکاز متشرعی در زمان نزول آیه باشد که باعث می شد متشرعه بیش از استحباب از این آیه استفاده نکنند؛ یعنی برداشت کنند که وقتی قرآن خوانده می شود، بهتر است انسان ساکت باشد و گوش بدهد.

## ۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- بنابراین تأثیر ارتکازات در ظهور محدود به ارتکاز عقلایی نمی‌شود. همچنان که تأثیر ارتکازات در ظهورات محدود به توسعه و تضییق دایرة ظهور نیست، بلکه گاهی ظهور به طور کامل متفاوت می‌شود؛ مانند همین آیه که وجوب معنایی متفاوت با استحباب است.

## الغاء خصوصیت

- الغاء خصوصیت
- گفتیم ظهور الفاظ تنها مرهون موضوع له آنها نیست، بلکه ارتکازات موجود در جامعهای که این سخن در آن گفته می شود نیز در شکل گیری ظهور تأثیر می گذارد. یکی از موارد فراوان این مسأله مواردی است که در فقه از آن به الغاء خصوصیت تعبیر می شود.

## الغاء خصوصیت

- در الغاء خصوصیت در واقع ارتکاز باعث می شود کلام در معنایی فراتر از موضوع له الفاظ ظهور پیدا کند. برای مثال در حدیث رفع فرمود: «رفع القلم عن ثلاثة عن النائم حتی یستيقظ و عن المجنون حتی یفیک عن الطفل حتی یحتلم» یا «عن الصغیر حتی یکبر». در این روایت قلم تکلیف از سه گروه برداشته شده است:
  - ۱- شخص دیوانه است تا زمانی که عاقل شود.
  - ۲- شخص نابالغ تا بالغ گردد یا بچه تا بزرگ شود.
  - ۳- شخص خوابیده تا اینکه بیدار گردد.

## الغاء خصوصيت

- ما روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: «رفع القلم عن ثلاثة عن الصبي حتى يبلغ، و عن النائم حتى ينتبه، و عن المجنون حتى يفيق» «١».

- (١) صحيح البخارى ٨: ٢٠٤، و سنن الترمذى ٤: ٣٢ الحديث ١٤٢٣، و سنن أبى داود ٤: ١٤٠ حديث ٤٤٠١ و ٤٤٠٣، و مسند أحمد ٦: ١٠٠ و ١٤٤ باختلاف فى ألفاظها.

## الغاء خصوصیت

- در مورد اول و دوم موضوعیت بلوغ و عقل را از روایت استفاده می‌کنیم؛ یعنی عقل و بلوغ معیار تکلیف هستند. بنابراین اگر شخص بالغ یا مجنون بود، تکلیفی متوجه او نیست.



## الغاء خصوصیت

- در مورد سوم چنین موضوعیتی را استفاده نمی‌کنیم؛ یعنی چنین نیست که معیار تکلیف بیدار بودن باشد و شخصی که بیدار است لزوماً تکلیف داشته باشد، بلکه نائم یک مثال است برای کسی که متوجه رفتارهای خودش نیست.

## الغاء خصوصیت

- بنابراین معنای عبارت این است که شخصی که نسبت به رفتارهای خودش توجه ندارد و اعمالش از روی اراده و آگاهانه نیست، مسئولیتی در قبال آن اعمال ندارد؛ چه خواب باشد و در خواب کاری را انجام دهد و چه بیدار باشد؛ مثل مست که گرچه بیدار است، متوجه رفتارهای خودش نیست یا کسی که در اثر یک نوع بیماری خاص حرکات غیر ارادی و نا آگاهانه انجام می‌دهد.

## الغاء خصوصیت

- به عبارت دیگر لفظ نائم برای معنای شخص خوابیده وضع شده است اما ارتکاز عقلایی باعث می شود که این کلام ظهوری فراتر از موضوع له خودش پیدا کند و خصوصیت نائم بودن نادیده گرفته شود. به این توسعه ای که از مدلول این عبارت استفاده می کنیم، در اصطلاح الغاء خصوصیت می گوئیم.

## ارتکازات زمان نص معیار تحدید ظهورات

- ارتکازات مؤثر در ظهور، ارتکازات زمان نزول آیات و صدور روایات هستند. بنابراین اگر یک ارتکازی بعد از آن پیدا شود و احیاناً تأثیری در ظهور داشته باشد، ظهور شکل یافته بر اساس این تأثیر حجیتی ندارد. شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرماید دلیل حجیت این ارتکاز چیزی اضافه بر دلیل حجیت ظهور نیست. در واقع ظهور حجت است و این ارتکاز عامل شکل‌گیری ظهور می‌گردد؛ چنان‌که موضوع له الفاظ نیز یکی از عوامل شکل‌گیری ظهور است.

## ارتکازات زمان نص معیار تحدید ظهورات

- این ارتکازات برای کسانی که در آن فضا زندگی می‌کنند به قدری واضح است که متکلم در هنگام سخن گفتن آنها را توضیح نمی‌دهد. در آن فضا همه می‌دانند که مقصود از این عبارت چیست ولی وقتی از آن زمان فاصله می‌گیریم، با مشکل مواجه می‌شویم.

## ارتکازات زمان نص معیار تحدید ظهورات

- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۳۵.
- این مسأله در بخصوص در دوران معاصر ما و در فضای مصطلحات و شعارهای سیاسی خیلی واضح است؛ چنان که اگر یک عبارت را که در یک دوره خاصی در سیاست ایران مطرح می شود، از آن ارتکازات موجود در آن زمان عبارت منسلح کنیم، ظهور دیگری پیدا می کند؛ مثلاً دو اصطلاح سیاسی «چپ» و «راست» از اول انقلاب تاکنون به کار می رود. این دو اصطلاح در علوم سیاسی معنای خاصی دارند که در کاربرد آن در ایران امروز این معنا مورد نظر نیست. در فضای اول انقلاب اسلامی منظور از «چپ»ها مارکسیست ها بودند. اصلاً در آن فضا همه نیروهای انقلاب به عنوان مخالفین «چپ گرا»ها شناخته می شدند؛ چون چپ در مارکسیست ظهور داشت. اگر در اول انقلاب در دانشگاه می گفتند فلانی چپ است، یعنی مارکسیست است. به همین سبب اگر چنین آدمی تظاهر به دین می کرد، تعجب می کردند که فلانی چپ است پس چطور تظاهر به رفتار دینی می کند! مقصود ما از این مصطلح در امروز بخشی از نیروهای انقلاب هستند که دیدگاهی متفاوت با بخش دیگر دارند. بنابراین لفظ چپ در اوایل انقلاب ظهوری ناشی از ارتکازات اوایل انقلاب داشت و الآن ظهور دیگری ناشی از ارتکازات امروز دارد. بنابراین وقتی بخواهیم بفهمیم مراد از این واژه چه بوده است، باید علاوه بر موضوع له آن، ارتکازاتی که در زمان صدور این عبارت وجود داشته است را هم باید بدانیم.